

چنگیز مردی که نصف جهان را تسخیر کرد

در جلسه تاسستانی سال ۱۲۲۸ میلادی وحشی‌ترین رهبران جنگی جهان بین دو رودخانه های (تول‌گول و کرولین) در شمال مغولستان بدور هم جمع شدند .

این جنگه‌آوران که از ایران، چین، روسیه . و آسیای مرکزی آمده بودند لشگری رنگارنگ را تشکیل می‌دادند که هیچگونه اعتقادی به نتایج بد و زشتی کارشان نداشتند. اینها بهترین و بی‌رحم‌ترین رهبران مغول بودند که یکی از بزرگترین امپراطوری - های تاریخ را بوجود آوردند ، هدفشان دوجیز بود اول احترام به چنگیز رهبر تازه در گذشته‌شان و بنیان‌گذار و طراح این امپراطوری . دوم انتخاب جانشین او یعنی پسرش به نام اوکتای بنون خان بزرگ مغول .

چنگیزخان ضمن شرکت در جنگی که بسال ۱۲۲۷ میلادی بین او و مردم چین در شمال آن کشور اتفاق افتاد در اثر سقوط وحشتناکی از پشت اسب در گذشت و پیروانش بطور محرمانه جنازه او را از کوه و دشت به محل اجرای مراسم مذهبی مغولستان که زیاد از محل این حادثه دور نبود حمل کردند مردم بینوئیکه از جریان این راز با خبر می‌شدند بلافاصله قلع و قمع گشته و این انهدام افراد بدو علت انجام شد یکی از نظر مخفی نگاهداشتن مرگ رهبر پرقدرتشان چنگیزخان و جلوگیری از اشاعه این خبر بخارج و این کشتار دستجمعی مردم عامی تا خاتمه انجام مراسم تدفین ادامه داشت و ثانیاً این اعمال را بحساب قربانیان مذهبی گذاشتند .

همینکه مراسم تدفین انجام شد رؤسای مغول و پسرهای چنگیز و اقوام این امپراطور در صدد برگزاری مراسم انتخاب جانشین فرمان روا بر آمدند. انتخاب جانشین برای چنگیز که می‌بایست از میان چهار پسر او انجام گیرد کاری بس مشکل بود وظیفه بعدی که بمراتب جالب و دلچسب است ثبت وقایع زندگی چنگیزخان یعنی وحشت آورترین کشورگشای جهان بوده است. ثبت این وقایع بدین شکل انجام گردیده که هم قطاران پیر و پیروان وفادار چنگیز شبهای زیادی را بدور آتشیهای بزرگ اردوگاه و یا درچادرهای سفید بدور هم جمع می‌شدند و همینطور که از وقایع گذشته خاطراتشان را بنخاطر می آوردند و صحبت می‌کردند آنها را نوشته و ثبت نمودند. این نوشته‌ها که با دست خطهای زیبا تهیه شده بود بعداً جمع‌آوری گردید و تاریخ سری و محرمانه مغول را تشکیل داد .

این سند غیر معمول که قسمتی بصورت داستانهای قهرمانانه و قسمتی دیگر شکل اولیه تاریخ مغول را نشان می‌داد با مراقبت بسیار و تا مرز حسادت آمیزی درمحل خاص اسناد تاریخی و دولتی نگهداری و مراقبت می‌شد و فقط اعضاء خانواده امپراطوری یا بهترین

فرمانروایان بآن دست رسی داشتند. باین تاریخ بعدها قسمتهای دیگر مربوط به زندگی او کنای و سایر جاننشینان او که بر این تخت طلائی امپراطوری تکیه زده اند اضافه گردیده است.

در اواخر قرن سیزدهم میلادی گوبلای قاآن نوّه مشهور چنگیز خان و مشوق مار کوپولو به مسافرت آسیا پایتخت امپراطوری مغول را به چین برد و در آنوقت بود که تاریخ پر بهای مغول بشرحی که قبلا گفتیم بقصر سلطنتی پکینگ (پکن) انتقال یافت و در آنجا نگهداری شد و در آنجا بود که بعد از گذشت شش قرن این سند محرمانه جوابگوی سؤالات تاریخی دنیای غرب شد: سئوالاتی از این قبیل: چرا و کی ارتش مغول بر سواحل دریای آدریاتیک مسلط شده و نزدیک بود که اروپای مسیحی را یکجا بیلعد؟ و جواب این سؤال که در عین سادگی تعجب آور است که سپاهیان مغول چرا بطور بسیار ساده‌ای عقب نشینی کردند؟ بالاخره همانطور که گفتیم به بسیاری از پرسشهای تاریخی و ممماهای آن می‌توان بامراجعه باین اسناد محرمانه پاسخ گفت.

شکوه و جلال امپراطوری چنگیز در قرن چهاردهم میلادی رو بزوال رفت و گروه‌های نو خاسته‌ای در چین آخرین بازماندگان قدرت مند مغول را بسال ۱۳۶۸ میلادی از پکن بیرون راندند و بقایای مغولان را بمسخره گرفتند و عمارات و قصرها وجبه‌های با ارزش آنها را با آتش مشعل کشیدند. تعجب آور است که با تمام این اوصاف و حوادث آن اسناد تاریخی محرمانه از میان نرفت باین علت که پادشاهان جدید چینی یعنی همان مینگها در حفظ آن کوشیدند و مورد نظر آنها بود. چینی‌ها برای اداره مغولهای مزاحمی که هنوز در مرزهای شمالی چین سکنی داشتند احتیاج به مترجمینی را حس می‌کردند که زبان مغولی را اگر چه در نظر چینی‌ها بی ارزش می‌آمد صحبت کنند و برای تربیت چنین افرادی که بزبان مغولی آشنا شوند آن سند تاریخی مورد احتیاج آنها بود در نتیجه دانشجویانیکه به آموزش این سند تاریخی از نقطه نظریادگیری زبان مغولی که در آن لفظهای مغولی بطور سمبلیک و هر کدام جدا از دیگری با علامت خاصی مشخص و نشان داده شده بود توانستند این سند را ترجمه و بصورت کتابی عرضه کنند.

دانشجویان مینگ (پادشاه چین) بعد از ترجمه این سند تاریخی در قالب صدا و علامت و برگردانیدن آن بزبان خودشان سند تاریخی اصلی مذکور را بعنوان چیز بی ارزشی به دور انداختند.

بعد از مدتی حتی این فرم چینی آن هم فراموش شد تا این که صد سال قبل یک کشیش روسی که به زبان چینی هم آشنائی داشت آنرا در پکن کشف کرد. در عین حال تا سال ۱۹۰۸ میلادی کپی چاپی از آن تهیه نشد در این سال بود که دانش پژوهان و محققین در اروپا و آسیا و امریکا بکوششی بران ترجمه دقیق این سند تاریخی دست زدند اما پی بردن به لغات اصلی مغولی از روی کاراکترهای چینی کاری بود بسیار مشکل معننا ترجمه‌هایی به زبانهای مختلف به وجود آمد ولی هیچکدام آنها قابل اعتماد و رضایت بخش نمی‌توانست باشد. بالاخره در سال ۱۹۶۹ میلادی دکتر ایگور دراچلو تلیز استاد تاریخ مشرق در دانشگاه ملی استرالیا در شهر کامبرا دری تازه بروی این مشکل گشود.

دکتر ایگور که بهر دو زبان مغولی و چینی آشنائی داشت و بیش از ربع قرن راجع به تاریخ داخلی آسیا مطالعه می کرد از تکنیسین های مرکز بزرگ کامپیوتر شهر آنا برای این تلاش محققانه کمک و مساعدت گرفت ، دکتر راجلو تلیز از این مرکز کامپیوتر سؤال کرد که آیا آنها می توانند کامپیوتر راطوری بر نامه ریزی کنند که تمام کلمات این سند تاریخی محرمانه را بر ترتیب حروف الف با مرتب کند ؟ تکنیسین ها به آزمایش نسبت باین عمل موافقت کردند و کلمات سمبلی چینی به صورت حروف لاتین بر روی کارتهای کامپیوتر با دقت و کوشش فراوان تایپ شد . بر نامه ای برای کامپیوتر طرح ریزی شد که نتیجه ای نزدیک بکلمات رؤسای قبایل مغول که هنگام نوشتن آن سند تاریخی گفته بودند داده شود تا اینکه روزی در سال ۱۹۶۷ از اطاق سرد و ساکت کامپیوتر مرکز شهر آنا تکنیسین ها شاهد بیرون آمدن ورقه های متعدد کاغذهای چاپ شده کامپیوتر بودند که تاریخ محرمانه مغول را از ۳۸۰۰۰ کلمه به ترتیب حروف الف بای انگلیسی مرتب کرده بود . دکتر راجلو تلیز با استفاده از ایسن ترتیب کلمات بدقت اقدام به بررسی و یکپارچگی کتاب تاریخی که چینیها از مغولی ترجمه کرده بودند نمود و باین ترتیب اشتباهات آنرا اصلاح کرد . از سال ۱۹۷۰ میلادی دکتر راجلو تلیز بعنوان مهمان افتخاری آکادمی علوم بجمهوری منولستان دعوت شد او در این سفر درباره این کارش با دانشمندان و محققین مغول به بحث پرداخت و کارش را با سایر اسناد قدیمی باقی مانده که بخط مغولی بود مقایسه کرد و در مراجعت باسترالیا شروع به ترجمه سند تاریخی محرمانه مغول بزبان انگلیسی نمود او امیدوار است که کارش را تا سال ۱۹۸۰ کامل نماید و معتقد است که این سند تاریخی مغول بعنوان یک اثر کلاسیک ادبی شناخته خواهد شد . این کتاب مخلوطی از شعر و داستانهای تاریخی بخصوص زندگی چنگیز خان که میگویند (هنگام تولد لخته ای خون باندازه یک بند انگشت را بسختی می فشارد) میباشد آنطوریکه این سند تاریخی نقل می کند چنگیز برادر بزرگترش را بخاطر دزدیدن یک پرند کوچک و یک ماهی که جرمی سخت در یک مملکت فقیر بود کشته است .

در یکی از مقاله های تکان دهنده این سند تاریخی «ساک» مادر چنگیز درباره او می گوید : از گرمای رحم من او در حالیکه لخته ای خون را در دستش میفشرد و خودش را با خشونتی به پیش میرانداز من زاده شده بود . و مثل یک سگ وحشی جفش را گامی گرفت او مثل شیر می بود که نمی تواند بخشش غلبه کند و مثل بازی که بسایه خودش حمله کند . چنگیز سرعت دوران جوانی را پشت سر گذاشت او قوی و سختی دیده بود و همچنین شرور و حسابگر در عین حال یک سیاست مدار و متحد کننده افراد قبایل مغول .

مردان ، خانواده هایشان را بکنار او می آوردند تا در برابر قبایل دشمن بایستد و همه مجذوب برق نگاه و نور صورتش می شدند او در عین بی رحمی آدمی بود که برنج دیگران اهمیت می داد . وقتی درست زمان بچگی او یکی از افراد مغول بنام جافوکا جنک قبیلده ای را می بازد و اسیر می شود چنگیز جانش را با او می بخشد ولی جافوکا این امان و بخشش چنگیز را رد کرده و تقاضای مجازات خود را می کند چنگیز هم دستور می دهد او را در قالی بیچند و باو لگد بزنند تا بمیرد بدون اینکه قطره ای خون از او بریزد و این رسمی بود

که مغولها در مورد نجیب‌زادگان خود اجرا میکردند. سال ۱۲۰۶ میلادی طبق این سند تاریخی چنگیز خودش را رئیس تمام قبایل مغول معرفی می‌کند تاریخ مرگش روشن نیست ولی محتملاً هنگام مرگ حدود چهل سال داشته است.

او کاملاً متقاعد بود که خدایان آرزو دارند تمام دنیا تحت نظر مغول اداره شود و روی اعتقاد به کشورهای مرفه و پرجمعیت شمال‌چین حمله‌ور شد او تمام شهرهایی را که مقاومت کردند آتش زد و مردمش را قلع و قمع نمود مقاومت را در برابر خود شیطانی می‌شمرد و بر ضد خدایان می‌دانست.

او در عین حال و همانطوری که در مورد جافو کا عمل کرد اغلب نسبت به مغولین رفتاری سخاوتمندانه نشان می‌داد. شهرهایی که دروازه‌هایشان را بروی این قبیله مهاجم باز می‌کردند صدها مردان با حرفه و فن و مهندسی و سرباز برایش فراهم می‌آوردند. دشمنانی را که با رفتار شجاعانه روی او اثر می‌گذاشتند و او را تحت تأثیر قرار می‌دادند مشاغلی حتمی بالاتر از سران مغول می‌داد.

چنگیز با اینکه خواندن و نوشتن نمی‌دانست اولین قانون نوشته مغول را بوجود آورد با اسم کلید رهنمونی (یاسای بزرگه) بعنوان مثال در این قانون نوشته شده که مجازاتهای سنگین مخصوص اعمال نادرست از جمله دزدی و خیانت و همچنین مجازات مرگ برای امتناع از کار در نظر گرفته شده است. نکته جالب اینکه مجازات فردی که در آبهای جاری ادرار کند نیز اعدام مقرر شده و این توجه خاص قانونگذار مغول را بحفظ و بهداشت محیط زیست در آنروز گاران می‌رساند. بالاخره باید در نظر داشت که در سرزمین‌های آن‌روزی اینها مسائلی بوده‌اند که بادامه حیات جامعه بنحوی مربوط می‌گردیده‌اند. در یاسا یعنی همان فرمان بزرگ خان مغول قوانین قابل احترام دیگری نیز که از نقطه نظر اخلاقی جالب توجه است به چشم می‌خورد مثل احترام به تمام مذاهب، مشارکت درغذا، احترام بزرگتر، و ارزش قائل شدن برای افراد محتاجی که برای رفع نیازمندی خود بمقامات مربوطه مراجعاتی داشته‌اند.

تحت رهبری چنگیز مغولها چین شمالی، ایران، افغانستان و مناطق زیادی از آسیای غربی را تا حدود روسیه فتح و تسلط بر مردم آنجا را پیدا کردند چنگیز قبل از مرگش دستوراتی برای وراث خود بمنظور رسیدن به هدف فتح نهائی جهان از طرف مغولها و به‌زیر سلطه کشیدن مردم از خود بجا گذاشت.

اکتای جانشین وی بمنظور اجرای وصیت پدرش لشکر قدرتمند مغول را به آسیا و تا اعماق جنوب روسیه پیش راند و شهر کیف را در روسیه تصرف کرد و قوای لهستان را درهم شکست و بطرف سیلیسیا (آلمان امروز) و مجارستان پیش راند بطوریکه در پایان سال ۱۲۴۱ میلادی این سپاهیان در سواحل دریای آدریاتیک بودند و اروپا را بلرزه درآوردند سپس بطور مرموزی در یازدهم دسامبر همان سال ۱۲۴۱ میلادی و بعلمتی که تا کنون معلوم نشده، شروع به عقب‌نشینی کرد. دکتر راجلوتلیز می‌گوید اگر «روزی باشد که اروپائیان می‌بایست بدون توجه به ملیت، مذهب، سیاست جشن بگیرند این‌روز است».

بیشتر اروپائیان این رهایی از دست مغولها را يك معجزه دانستند ولی سند تاریخی محرمانه برای این عمل توضیح جالبی ارائه می‌کند که در نوع خودش بهمان اندازه تعجب کردند و به محل رودخانه موطن اصلی خود بازگشتند تا که رهبر جدیدی انتخاب کنند زیرا که اکتای مرده بود چون اکتای نوشابه خاص و مرسوم مغولها را که از شیر مادیان تهیه میشد رها کرده و به شراب خواری معتاد شده بود علت مرگش بحکایت این سند محرمانه مسمومیت الکلی بوده است. باید گفت تمدن غرب بوسیله یکی از دوستان قدیمش که انگور باشد از انهدام کامل نجات پیدا کرد. بالاخره درسی که این سند تاریخی محرمانه مغولها بدنیای امروزی می‌دهد چیست؟

دکتر راجلو تلین میگوید جواب این سؤال ساده است فقط بیاد داشته باشید که چنگیز و جانشینانش مردانی بودند مثل باقی مردان، با تقوایشان، و اعمال شیطانی‌شان، سخاوتمند، و پست نه هیولائی دیوانه خون و جدا از نسل بشریت. بنا بر این حتی در این عصر و زمان کمپیوتر هم پیچیدگی طبیعت چنین مردانی را نمی‌فهمد. بهمین دلیل است که تاریخ همیشه اهمیت دارد.

از کتاب طرفه‌ها

نوشته اقبال یغمائی

کیفر قاضی رشوت‌ستان

در ایران باستان قاضیان از میان برترین و پاکترین مردان برگزیده می‌شدند؛ آزادی قضاوت و مقامی ارجمند داشتند، و اگر اتفاقاً یکی از آنان رشوت می‌ستاند و به سود رشوه‌ده برخلاف حق داوری می‌کرد، کیفری عظیم می‌یافت. قاضی دربار شاهان از دیگر قاضیان برتر و مسئولیتش بیشتر بود. در زمان شهریاری کمبوجیه قاضی دربار سیسامیس نام داشت او به ازای گرفتن رشوت حکمی برخلاف عدل داد. چون زشتکاریش از پرده بیرون افتاد و گناهش مسلم شد به فرمان کمبوجیه پوستش را کردند و از آن رشته‌ها پی درست کردند. سپس کمبوجیه دستور فرمود از آن رشته‌های باریک نشیمنگاه کرسییی بیافتند و آن کرسی را به قاضی دربار اختصاص داد. آنگاه پسر قاضی خطاکار را جای پدرش برنشاند و خطاب به وی فرمود: هر زمان که به قضاوت می‌نشیند می‌بیندیش که بر کدام کرسی نشسته‌ای و چون دریافتی چنانکه خواهی قضاوت کن.

چنین بود که در آن روزگاران مردم در پناه قانون و داد به آرامش و آسایش می‌زیستند و فرودستان را بیم‌گرند زیردستان نبود.